

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۸۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

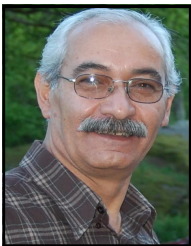
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدال گلپریان

۲۹ تیر ۱۳۹۰، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

## همکاری حکومت محلی کردستان عراق با جمهوری اسلامی



عبدال گلپریان

فرماندهان رژیم جمهوری اسلامی در توجیه اقدامات نظامی خود ظاهرا حضور احزاب مسلح و در مورد اخیر مشخصا گروه پژاک است. برای رژیم جمهوری اسلامی که امروز از سایه خود هم وحشت دارد، حضور و

صفحه ۴

بیش از دو هفته است که نیروهای سپاه و ارتش جمهوری اسلامی مناطق مرزی در محدوده بین کردستان ایران و عراق را مورد حملات سلاحهای خود قرار داده اند که خسارات مالی و جانی زیادی برای مردم ساکن در منطقه را بوجود آورده است. البته این اولین بار نیست که نیروهای مسلح رژیم اسلامی دست به چنین تهاجمی می زنند. در طی حاکمیت رژیم اسلامی بارها مناطق مرزی مورد حمله نظامی با انواع سلاحهای سبک و سنگین، تانک و هلی کوپتر سپاهیان اسلام قرار گرفته است و هر بار آوارگی و بی خانمانی مردم منطقه یکی از فاجعه بارتترین اثرات این قلدرمنشی نظامی بوده است. بهانه سران و

## عشق یک طرفه "حکمتیستها" و بهمن شفیق به احمدی نژاد!

### داستان قدرنگیری احمدی نژاد

با به قدرت رسیدن احمدی نژاد از همان دوران اول ریاست جمهوری اش، زمزمه تقلب و مهندسی صندوقهای رای در میان اصلاح طلبان و طیف رفسنجانی بالا گرفت، اما هیچکدام از آنها به دلیل حفظ نظام سر و صدای زیادی نکرده و غرولندهایشان از محدوده خودپنجا فراتر نرفت.

رفسنجانی که کاندید ریاست جمهوری بود و از احمدی نژاد شکست خورده بود آنرا به قضاوت خدا و آخرت سپرد و کرویسی

صفحه ۲

کارگران هستند و در حمایت از "سندیکا" و در دفاع از اجرای طرح حذف سوبسید کالاها نوشته اند و طرف دیگر تعدادی از چپ ها و کمونیستها میباشند که جواب لازم را به آنها داده و تزهایشان را به نقد کشیده اند.

من اینجا قصد بررسی مفصل این مباحث را ندارم زیرا رفیق ناصر اصغری جوابی مفصل به آنها داده و حق مطلب را ادا کرده است. هدف من اینجا اساسا این است که تزه های اصلی این چپ سابقی ها و دفاع اخیرشان از حذف سوبسیدها بوسیله جمهوری اسلامی را نقل کنم و به قضاوت خواننده بگذارم.



محمد آسنگران

اخیرا مباحثی در مورد نظرات رضا رخشان در سایتها منتشر شده است. یک طرف این مباحث "حکمتیستها" بهمن شفیق و رضا رخشان ... هستند. که علیه کمونیستها و چپهایی که مدافع تشکل شورایی و مجامع عمومی

## بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره جار و جنجال حول "انتخابات" انتخاب مردم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است!

دعواهای درونی اخیر آن برای مردمی که تمام سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی در خیابان بودند و همینطور پایین کشیدن دیکتاتورها توسط انقلاب مصر و تونس را دیده اند، طبعا فراخوانی به گسترش مبارزه به سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. درست همین وضعیت جناح مغلوب حکومت از رفسنجانی و خاتمی گرفته تا کرویسی و موسوی و پامنبری هایشان را به تکاپو واداشته که "راه نجات انتخابات آزاد" است. طبق معمول "بی بی سی" و صدای آمریکا و صف پاسدار - ژورنالیست های جنبش ملی اسلامی نیز برای چندمین بار به حرکت درآمده اند تا مگر

جمهوری اسلامی را از زیر تیغ اعتراض رادیکال مردم به در برند. اما مضحکه انتخابات در جمهوری اسلامی نخ نما تر و رسوا تر از آنست که این نوع تمهیدات بتواند دردی از این رژیم پوسیده و درهم ریخته دوا کند. حضرات عقل خود را از دست داده اند و مردم را نادان تصور کرده اند. به روی مبارک نمی آورند که مردم قبلا با تبدیل "انتخابات" سال ۸۸ به یک انقلاب تمام عیار برای سرنگونی جمهوری اسلامی پاسخ قاطع خود را به اینگونه تلاش ها داده اند. متوجه نیستند که این تکاپوی سراسیمه شان حول مضحکه انتخابات مجلس

صفحه ۲



بحران جمهوری اسلامی در جریان دعواهای اخیر خامنه ای و احمدی نژاد شدت بی سابقه ای یافته است. این تنها شکل معین بروز بن بست های عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی است. رژیمی که به زندگی نامربوط است، در محاصره اعتراض و انقلاب مردم قرار دارد و تنها با تکیه بر چوبه دار و چماق حجاب و ترور اسلامی سرپا مانده است. اما اوضاع وخیم رژیم و

### توهین ورق پاره فارس به زنان ایران

صفحه ۵

بداله قطبی در مقابل اتهامات وارده به دفاع از خود پرداخت

صفحه ۵

حکم سه سال زندان برای شاهو رضایی

صفحه ۵

چهار نفر در مهاباد و سقر بازداشت شدند

صفحه ۵

تجمع اعتراضی مردم در میدان آزادی شهر سلیمانیه

صفحه ۶

منوعیت ورود محمود سنگاوی به سوئد

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## عشق یک طرفه "حکمتیستها" و ...

از صفحه ۱

کانبندیای کم شانس تر نیز خودش را به خواب زد که نظام ضربه نخورد. بعد از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری و اعتراضات سال ۸۸ و تظاهراتهای میلیونی علیه رژیم، اصولگرایان مدافع احمدی نژاد وقتی او را از صندوقهای رای بیرون آوردند، اعلام کردند که مردم فقیر و زحمتکش به او رای دادند. یکی از همین سرداران اصولگرا که اکنون مخالف احمدی نژاد شده است، با لحنی تحقیر آمیز، در مورد همین به اصطلاح رای دهندگان گفته است اقبال پایین جامعه گفتند " این شیشو از خودمان است و به او رای دادند." گرایشات مختلف در مورد این پدیده و اتفاقات پشت پرده بسیاری حرف زدند و موضع گرفتند. در اوایل به قدرت رسیدن احمدی نژاد اپوزیسیون اصلاح طلب حکومتی در دفاع از حق حاکمیت خود گفتند صدای پای فاشیسم می آید ( توگویی تا کنون فاشیستهای اسلامی در قدرت نبوده اند و با آمدن احمدی نژاد قرار است برای اولین بار فاشیستها قدرت را قبضه کنند.) از سوی دیگر موضعگیری بخشی از "چپ های" سابق در دفاع از احمدی نژاد بود که یک افتضاح سیاسی تمام عیار را به نمایش گذاشتند.

کورش مدرسی به عنوان متفکر حزب "حکمتیست" که قبلا فکر میکرد قدرت سیاسی میوه ای است که به دامن دوم خردادها میافتد و باید در اطراف آنها اطراق کرد و به جایی رسید. اکنون دوست دارد کسی این تر ارتجاعی را به او متذکر نشود.

"دولت میوه ایست که با سقوط جمهوری اسلامی به دست نزدیکترین نیروی موجود در میدان خواهد افتاد. نیروئی که درست همزمان با از هم پاشیدگی اوضاع، دولت را میتواند اعلام کند، اهرم های باقی مانده دستگاه دولتی را در اختیار دارد. این شانس بیش از هرکس شامل بخشی از خود دستگاه دولت جمهوری اسلامی میشود - اساسا بخشهایی از دو خرداد که قطعاً تلاش خواهند کرد بر موج اعتراض مردم سوار شوند. حجابیان و غیره میتوانند تلاش کنند نقش

یلتسین در کودتای ارتش را بازی کنند." ... "بنظر من پایه سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در قبال دولت در این دوره باید بر چند اصل متکی باشد. منظورم از سیاست در قبال این دولت به معنی حمایت از آن نیست. چارچوبی است که در آن حزب کمونیست کارگری خواهان سرنگونی قهرآمیز این حکومت نخواهد شد و قواعد مورد توافق را رعایت خواهد کرد و از دیگران خواهد خواست که این قاعده را رعایت کنند" کورش مدرسی ۲۴ اوت ۲۰۰۲

و بهمین شفیق که چند سال زودتر از مدرسی از جبهه چپ به دنیای دوم خردادها مهاجرت کرده بود، با شکست جبهه اصلاح طلبان حکومتی بدون اینکه به روی مبارکشان بیاورند، نظرشان صدوهشتاد درجه تغییر کرد. سرخورد از دوم خردادهایی که فکر میکردند بورژوازی ایران را متعارف میکنند، این بار قبای کهنه خود را به شاخ احمدی نژاد آویزان کرده و اعلام کردند که احمدی نژاد پرچمدار متعارف کردن بورژوازی ایران است. گفتند او پرچمدار ناسیونالیسم ایرانی شده و ایران را به قدرت و جایگاهی رسانده است که در تاریخ، جنبش ناسیونالیستی خواش را هم نپدیدند. اعلام کردند احمدی نژاد جامعه را وارد فاز جدیدی کرده است که مثل هر جامعه دیگری ناچار است زندگی و حقوق کارگران را به درجاتی رعایت کند و طبقه کارگر هم از این نرمال شدن بورژوازی نانی به سفره اش اضافه میشود.

بعدا بهرام مدرسی یکی دیگر از اعضای رهبری حزب "حکمتیست" رسماً اعلام کرد که با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها (بخوانید اجرای ریاضت کشی اقتصادی طبق برنامه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) دستمزدها اضافه میشود و این مبارزه طولانی مدت در یک جامعه عادی بورژوازی است و بحرانی در کار نیست و نباید منتظر سرنگونی جمهوری اسلامی شد.

در متن چنین شرایطی که بخشی از چپ به جبهه راست جامعه مهاجرت کرده بود افاضات یک نفر

به اسم رضا رخشان که از میان کارگران هم سر بلند کرده بود، کافی بود تا این چپهای سابق به دلیل شباهت نظریشان با رضا رخشان و همین تئوریهایی که بجز مدرسی و شفیق خود احمدی نژاد هم با این صراحت جرات بیان آنرا ندارد، در ابراز گستاخی سنگ تمام بگذارند. بعد از نوشتن مقالات متعدد این چپهای سابق در تعریف و تمجید از احمدی نژاد و متعارف شدن بورژوازی و قدرتمند کردن جمهوری اسلامی که گویا در قویترین دوران عمر خود بسر میبرد، رضا رخشان را به دلیل شباهت نظری مورد حمایت بی چون و چرای خود قرار دادند.

## رضا رخشان کیست و چه گفته است؟

رضا رخشان بعد از دستگیری هیئت مدیره قبلی سندیکای هفت تپه، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه شد. ایشان در چند مقاله مستقیم و غیرمستقیم از سیاستهای احمدی نژاد دفاع کرده است و علیه کمونیستها و مدافعیین تشکل شورایی کارگران قلم زده است. آقای رضا رخشان در یک مقاله به اسم "یارانه ها تلاشی برای یک ارزیابی واقعی" نوشته است: "دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد شاهد بالا رفتن قدرت خرید کارگر و همچنین بالا رفتن سطح زندگی کارگر بوده ایم. در دیگر سطوح هم این روند افزایشی دستمزد ادامه داشت. مثلاً هرچند روند افزایش دستمزد در موسسات خصوصی به اندازه دولتی نبود ولی با اینهمه در آنجا هم این روند صعودی ادامه داشت ..."

اینکه رضا رخشان و نظراتش این چنین مورد حمایت این دسته از چپهای سابق قرار گرفته است نه اتفاقی است و نه از روی سهو و نادانی است. این چپهای سابق اتفاقاً وجود او را نعمتی برای خود دانستند. زیرا دفاع مستقیم خودشان از احمدی نژاد برایشان گران تمام شده بود. اینبار آنها بسیار گستاخ تر از قبل میتوانند به بهانه "دفاع از فعال کارگری" همان هدف قبلی خود یعنی دفاع از طرحهای احمدی نژاد و دفاع از اجرای سیاست حذف سوبسیدها را غیر مستقیم مورد حمایت قرار دهند.

اینها قبلاً از شدت "رادیکالیسم

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

از صفحه ۱

اسلامی و اینکه "اصلاح طلبان شرکت بکنند یا نکنند" از دید مردم پنهان نمی ماند و تنها بعنوان داغ شدن زمین زیرپای جانپان به جان هم افتاده قلمداد خواهد شد. مردم جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند کرد و با سرنگونی این رژیم از گور برآمده نه فقط خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و سایر سران جنایتکار جمهوری اسلامی به دادگاه سپرده خواهند شد بلکه همه شارلاتانهایی که بی شرمانه برای نجات جمهوری اسلامی به تقلا افتاده اند نیز باید بمردم پاسخگو باشند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم آزاده، همه زنان و مردان آزادیخواه در سراسر کشور و همه نیروهای سیاسی خواهان آزادی و برابری و رفاه را فرامیخواند که برای دور جدیدی از اعتراض و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مهیا شوند.

آنوب درون جمهوری اسلامی و تکاپوی جناح مغلوب و امثال بی بی سی برای نجات رژیم شان تنها انعکاس وخامت اوضاع حکومت

شان" اعلام کرده بودند که احمدی نژاد با رای کارگران و مردم فقیر انتخاب شده است و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری را رد کرده بودند. همان کاری که احمدی نژاد و خامنه ای به ضرب شکنجه و تجاوز و کشتار مخالفین میخواستند به جامعه تحمیل کنند، اینها به عنوان عاشقان یکطرفه احمدی نژاد سعی کردند "سیاسی و مستدل" آنرا بیان کنند.

رضا رخشان هم عین این تفسیر را نوشته است. "در زمان انتخابات سال گذشته (۸۸) دولت احمدی نژاد بشدت از طرف طیف کارگر و بازنشستگان مورد اقبال قرار گرفت. قطعاً نقش طبقه کارگر و بازنشستگان در انتخابات و پیروزی دولت دهم نقش مهم و اساسی داشته است. و این نشان می دهد که حداقل بخشهای وسیعی از کارگران این دولت را بر دولتهای نوع قبلی ترجیح می دادند."

در شرایطی که ریش و پشم همه عوامل و ارادل و اوباش حکومتی ریخته و سران حکومت اسلامی از اصولگرا تا اصلاح طلب به جان هم افتاده و کسی برای احمدی نژاد تره هم خورد نمیکند، این عاشقان سینه چاک نمیخواهند کوتاه بیایند. در شرایطی که باندهای مختلف حکومتی میگویند و میدانند که کشتی در هم شکسته در حال فرورفتن است و هر یک دیگری را عامل این اوضاع وخیم میدانند، تعدادی فیلسان یاد هندوستان کرده و از احمدی نژاد که نمونه مجسم حماقت و جنایت و کثافت حکومت اسلامی است دفاع میکنند. او را مدافع زحمتکشان و مدافع برنامه های اقتصادی نرمال تر و به نفع مردم معرفی کرده و برای فروش این تزهایی ضد کارگری و ضد انسانی به یک "کارگر" که در این دام افتاده است متوسل شده اند.

## عشق یک طرفه "حکمتیستها" و ...

از صفحه ۲

قبل از این افتضاح همین "چپها" اعتراضات میلیونی مردم آزادیخواه ایران، اعتراضات میلیونی جوانان در ایران علیه کلیت حکومت اسلامی را تخطئه کردند و بارها به مردم گفتند به خیابان نیابید. کورش مدرسی گفت و نوشت که شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و فراخوان آمدن مردم به خیابان ماجراجویی و غیر مسئولانه است. گفت که میلیونها نفری که به خیابان رفته و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر اصل ولایت فقیه سر دادند مدافع موسوی هستند و جنبش شان ارتجاعی است. کسانیکه روزانه کشته و زخمی میشدند و در زندان زیر شکنجه جان میبختند، همین چپهای سابق آنها را تقدیم موسوی و کردی کردند. این در حالی بود که همان موسوی و کروی خودشان جرات نمیکردند چنین اراجیفی را تحویل جامعه بدهند، چون دیده بودند که در روز عاشورا چگونه مردم عکس خمینی و خامنه ای و دیگر مقدسات مذهبی را به آتش کشیده بودند. اما این چپهای سابق ایایی از این نداشته و ندارند که بگویند این میلیونها انسان معترض برای بازگشت به گذشته ها در خیابان هستند و ریخته شدن خون آن همه انسان معترض را در راه اهداف اصلاح طلبان حکومتی دانستند.

حزب کمونیست کارگری را به "جرم" دفاع از اعتراضات میلیونها انسان معترض علیه جمهوری اسلامی که موضوع انتخابات فقط بهانه ای برای به خیابان آمدنشان شده بود را سرزنش کردند. ما از منظر این چپهای سابق به جرم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، ماجراجو، کمونسیم بورژوازی، و مدافع سبز و موسوی لقب گرفتیم. اینها نه تنها از سیاستهای احمدی نژاد خوشنود بودند بلکه سرکوب مردم و برپایی کهریزک و تجاوز در زندانها و دستگیری هزاران معترض و زندانی کردن آنها و تسلط سپاه در خیابان را نشانه موفقیت "تئوریهای" خود تلقی کردند.

اینها از جمله کسانی بوده و هستند که حتی یک بار هم کشتار

کارگاههای کوچک مثل نانواپیها و غیره بخاطر عدم توانایی کارفرما در پرداخت حقوق اعلام شده اخراج شدند اما بدلیل انبوه بودن کارگران در بخش دولتی، اکثریت کارگران موقت از مواهب این افزایش دستمزد برخوردار شدند. با اینهمه در همان سال اول (۸۵) حقوق کارگران رسمی ۲۳ درصد افزایش پیدا کرد و مجموعاً این روند افزایش دستمزد در سالهای بعد هم تقریباً ادامه داشت بخصوص در دوران دولت نهم هرچند عده ای این افزایش دستمزد از طرف دولت را ناشی از جهش بسیار زیاد قیمت نفت می دانستند. با این همه دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد شاهد بالا رفتن قدرت خرید کارگر و همچنین بالا رفتن سطح زندگی کارگر بوده ایم. در دیگر سطوح هم این روند افزایش دستمزد ادامه داشت. مثلاً هرچند روند افزایش دستمزد در موسسات خصوصی به اندازه دولتی نبود ولی با اینهمه در آنجا هم این روند صعودی ادامه داشت .....

خود من در این سه دوره که اشاره کرده ام شاغل در شرکت نیشکر هفت تپه بوده ام. در سال هفتاد و یک حقوقم ۹ هزار تومان بود که همه آنرا برای خرید ضبط صوت کوچکی خرج کردم. در دوره دوم حقوقم با کسر کرایه خانه و سایر هزینه ها کفاف زندگی نبود بطوریکه ما بیش از یک سال توان خرید گوشت قرمز را نداشتیم و بندرت می توانستیم حقوقمان را به حقوق بعدی برسانیم. اما شرایط در دوره سوم (دولت نهم و دهم) بسیار بهتر از گذشته می باشد بطوریکه در این دوره بسیاری از کارگران توان خرید خودرو پیدا کردند و سطح زندگی کارگران ارتقا پیدا کرد. البته این در هفت تپه و یا شرکت واحد نتیجه مبارزات خود کارگران هم بود اما در مجموع در مورد کارگران بخشهای متعددی صدق می کرد. بخاطر همین بود که در زمان انتخابات سال گذشته (۸۸) دولت احمدی نژاد بشدت از طرف طیف کارگر و بازنشستگان مورد اقبال قرار گرفت. قطعاً نقش طبقه کارگر و بازنشستگان در انتخابات و پیروزی دولت دهم نقش مهم و اساسی داشته است. و این نشان می دهد که حداقل بخشهای وسیعی از کارگران این دولت را بر دولتهای نوع قبلی ترجیح

می دادند.

امروز در ایران، بخشهای نسبتاً گسترده ای از کارگران می توانند با پس انداز کردن هفت الی هشت ماه دستمزد خود صاحب خودروی آبرومندی بشوند. حالا ممکنست عده ای بگویند که، میزان توقعات و سطح زندگی آدمها عوض شده و اسلوبهای پیشین در این دوره بدرد نمی خورد. مثلاً بجای تلویزیون lcd آمده است وغیره. ولی با اینهمه آنچه یزی که در مورد سطح دستمزدها مهم و اساسی است مسائل فرهنگی، تاریخی و عرفی می باشد. و آیا آمدن lcd بجای تلویزیون همه گیر شده است و یا فقط بخش کوچک بدنبال آن رفته است. یعنی اینکه هنوز از لحاظ عرفی همه گیر نشده است پس هنوز هم تلویزیون عرفی است نه lcd. از تمامی مسائل که گفته شد نه به معنای اینکه کارگران در ایران در ناز و نعمت و دچار هیچگونه مشکلی نیستند. بلکه مشکلات را باید همانطور که هست دید. نه بزرگنمایی راه حل است و نه نادیده گرفتن مشکلات. بخشی از کسانی که صرفاً به دنبال بزرگنمایی مشکلات هستند، می خواهند در ابتدا با مایوس کردن و سپس با سوار شدن چه از لحاظ فکری و ایدئولوژی بر روی خواسته های کارگران به هدف خود که همانا چنگ انداختن بر روی قدرت سیاسی است برسند بدون آنکه از این فعل و انفعال چیزی بکارگر برسد. تاریخ پر از اینگونه موج سواریهاست....."

"حضور نمایندگان تشکلهای کارگری در کمیسیون یارانه ها . مجلس شورای اسلامی توانسته است طرح یارانه ها را طوری تغییر دهد که میلیاردها هم یارانه دریافت کنند. اما هدفمند کردن یارانه باید هدف حمایت از اقشار کم درآمد جامعه را داشته باشد. در حالی که نمایندگان کارفرمایان با تشکلهای خود و با لابی خود در مجلس هر قانونی را به هر شکلی که خود می خواهند تغییر می دهند، کارگران از کمترین امکان دخالت در روال امور برخوردارند. نمایندگان تشکلهای کارگری باید بتوانند با شرکت در کمیسیون یارانه ها در

تصمیم گیری و نظارت بر اجرای آن حضور داشته باشند".

.....

"بی توجهی آنان (چپها) به زندگی واقعی کارگران باعث صدور احکام نادرستی می شود که نتایج منفی در مبارزه کارگران دارند. احکام کلی مانند اینکه می گویند جمهوری اسلامی سی سال است که به معیشت مردم حمله می کند، اصلاً شرایط متفاوت دوره های مختلف رشد سرمایه داری در همین سی سال را در نظر نمی گیرند. در چنین احکامی تعیین دستمزد فقط توسط نظام حکومتی انجام می گیرد در حالی که شرایط حاکم بر بازار کار و رونق و رکود در نظام سرمایه داری همه در تعیین دستمزد نقش بازی می کنند. یا احکامی از قبیل این که اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها در نتیجه بحران اقتصادی است و این بحران اقتصادی دنباله چیه همان بحران اوائل دهه ۵۰ یعنی ادامه همان بحران اقتصادی قبل از انقلاب است بنظم کاملاً غلط می باشد."

از رضا رخشان مقاله

[یارانه ها، تلاشی برای یک](#)[ارزیابی واقعی](#)

یکشنبه، ۱۰ بهمن ۱۳۸۹

\*\*\*\*\*

همانگونه که می بینید اینجا دعوا بر سر مخالفت و موافقت با یک حکومت فاشیست و ضد کارگر و ضد انسانی است که خون مردم را در شیشه کرده و بوژه اکنون کارنامه بسیار بلند بالایی در دزدی، جنایت و وقاحت را به ثبت رسانده است.

حمله به چپ و دفاع از سیاستهای احمدی نژاد رسماً و بدون چون و چرا موضع مشترک بهمین شفیق و "حکمتیستها" و رضا رخشان است. این یک افتضاح سیاسی است. این موضوع بعلاوه ضدیت با اعتراضات میلیونی مردم از افتخارات این جماعت است که چپ سابقی ها تنها حماقت خود را در این صف به نمایش گذاشته اند. کارگران و مردم ایران و جوانان ایران میدانند که جمهوری اسلامی ایران رفتنی است و به همراه این حکومت طیف رنگارنگ مدافعین حکومت از اصلاح طلب تا چپ مدافع احمدی نژاد جایشان در ته دره تاریخ است.

## همکاری حکومت محلی کردستان ...

از صفحه ۱

استقرار احزاب مسلح در نواحی مرزی و در داخل خاک عراق مدام برایش موضوعی نگران کننده بوده است.

در همین رابطه و بنا به انتشار سندی که اخیراً در سایتها منتشر شده است، فرماندهان نظامی رژیم اسلامی در جلسات متعددی و بارها با نمایندگان حکومت محلی کردستان عراق بر سر حضور این نیروها در خاک عراق از سویی و از سوی دیگر در برخورد به اعتراضات مردم و چگونگی شکار فعالین سیاسی مذاکره و نشست داشته اند. در یکی از این اسناد که نشست آن بتاريخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰ صورت گرفته است، لیستی از درخواستهای رژیم اسلامی از حکومت محلی کردستان عراق برای ایجاد محدودیت در فعالیت احزاب مسلح مستقر در خاک عراق مطرح شده است که محوری ترین آن خلع سلاح احزاب مسلح فعال در مناطق مرزی است. در همین سند مسئولین و فرماندهان جمهوری اسلامی از حکومت محلی کردستان عراق خواسته اند که برای پاکسازی منطقه ای که پژاک در آن مستقر است با آنها همکاری کنند و گفته اند اگر حکومت محلی کردستان عراق در هماهنگی با نیروهای جمهوری اسلامی وارد عملیات پاکسازی نشوند خود به تنهایی این کار را خواهند کرد و سپس این منطقه را تحویل نیروهای مسلح کردستان عراق خواهند داد. آغاز تهاجم نظامی دو هفته اخیر توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقطع کنونی از چند جنبه قابل بررسی است. فاکتورهای متعددی را می توان در اتخاذ سیاست و تاکتیک های نظامی رژیم اسلامی و در همکاری با حکومت بارزانی را برشمرد اما به مهمترین آنها که تا حدی به تهاجم نظامی اخیر مرتبط هستند اشاره میکنم.

اوضاع و شرایط انقلابی در کشورهای عربی و شمال آفریقا مهر باطلی را بر ادامه حاکمیت دیکتاتورهای مادام العمر کوبیده که بر بستر آن، تحولات سیاسی مهمی را در کل منطقه بوجود آورده است. آثار این تحولات و پایین کشیدن

امان مردم است که هیچگونه راه خلاص و برون رفتی برای آن متصور نیست.

بنا به مضمون و محتوای سند منتشر شده، اوایل سال میلادی ۲۰۱۰ درنشتی که مابین مقامات محلی کردستان عراق با مسئولین و فرماندهان رژیم اسلامی در پیرانشهر برگزار شده بود، دو طرف به توافقاتی میرسند. این سند نتایج حاصله از نشست و طرح مطالبات رژیم اسلامی در همکاری با مقامات حکومت کردستان عراق علیه فعالیت احزاب مسلح اپوزیسیون ایرانی را منعکس می سازد. این همکاری و طرح این خواستها تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰ را بر خود دارد یعنی درست یکسال و نیم قبل. در حول و حوش آن تاریخ، رژیم اسلامی با اعتراضات وسیع خیابانی از سوی مردم روبرو بود. کشتی طوفان زده رژیم اسلامی در آن موقع در خطر غرق شدن بود. درست در همان هنگام تحرکات نظامی در مرزها، بند و بست با احزاب محلی بر سر معامله با احزاب مسلح اپوزیسیون ایرانی که این سند گویای آن است، با گلوله باران مناطق مرزی همراه بود. ساکنان منطقه آواره و بی خانمان شدند. در همان موقع نیز حکومت محلی کردستان عراق با آگاهی از این حملات نظامی و برای خالی نبودن عریضه در افکار عمومی مردم، بصورتی آبیکی به آن اعتراض کرد. اعتراض و محکوم کردن گلوله باران منطقه توسط مسعود بارزانی بعنوان مسئول حکومت خودمختار کردستان، اعتراض و محکومیتی ضمنی در چهار چوب روابط دیپلماتیک بوده و هست.

حکومت محلی کردستان عراق در توافقات خود با رژیم اسلامی، تلویحا دست جمهوری اسلامی را باز گذاشته است اما در ظاهر امر با نامه های گلایه آمیز به محکومیت گلوله باران منطقه اکتفا می کند. همکاری مابین رژیم اسلامی و حکومت محلی کردستان عراق در ایجاد فضای نظامی در مقابل اعتراضات مردم در شهرها، و علیه اپوزیسیون و علیه پناهندگان سیاسی ایرانی مستقر در کردستان عراق است. اما تمامی این وقایع و این نوع همکاریها در ظاهر امر می کوشد این تصویر را نشان دهد که

گویا مسئله تنها برسروکوبیدن مواضع پژاک یا صرفاً بر سر پاکسازی نیرویی مسلح در مناطق مرزی است در حالیکه این توجیه به ظاهر عامه پسند هدف اتخاذ سیاست نظامی کردن منطقه را تماماً نمایان نمی کند. جمهوری اسلامی خوب می داند که در طول حاکمیتش تا به امروز نتوانسته است به چنین هدفی دست یابد. همانطور که بالاتر اشاره کردم ایجاد یک فضای میلیتاریستی در کل منطقه و برای آمادگی در مقابل اعتراضات اجتماعی گسترده مردم در شرایط فعلی آن هدفی است که از هم اکنون به بهانه جنگ با پژاک نیروهای نظامی و سپاه را می خواهد در سراسر شهرهای نوار مرزی مستقر کند. شرایط و اوضاع سیاسی در ایران و کلادر منطقه چنین مانوری را به رژیم اسلامی تحمیل کرده است. حکومت محلی کردستان هم وضعیتی بهتر از رژیم اسلامی ندارد. از این رو همکاری دو جانبه آنان بر سر ادامه حاکمیت شان این همکاری را دو چندان ضروری ساخته است.

حضور نظامی دوهفته اخیر رژیم اسلامی به بهانه سرکوب گروه پژاک که منجر به آوارگی ساکنین منطقه شده است در راستای همان سیاستی است که یک سال و نیم قبل در سند منتشر شده مابین جمهوری اسلامی و حکومت محلی کردستان عراق بر سر آن توافق شده است. تا جاییکه به حکومت محلی در کردستان عراق برمی گردد، بی گمان از حضور نظامی رژیم در مناطق مرزی و حتی در بخشی از خاک کردستان عراق چندان هم ناخشنود نیست. در حال حاضر حکومت محلی کردستان عراق به نیروهای نظامی تحت فرمان خود آماده باش داده است تا به اصطلاح هرگونه تجاوزی از سوی جمهوری اسلامی به خاک کردستان عراق را درهم بشکنند. اما این فیکور نظامی از سوی حکومت محلی کردستان عراق چندان هم جدی نیست آنهم به این دلیل ساده که توافقات و همکاریهای پشت پرده، سیاست آنها را در برخورد به مشکلاتی که هر دو طرف با آن روبرو هستند تعیین می کند. حتی اگر این هم نباشد فعلاً نیروهای نظامی آمریکا بعنوان محافظت از حکومت محلی کردستان عراق در

منطقه هستند و این امر امکان هرگونه رویا رویی نظامی را منتفی می سازد.

همین سند و توافقات آنان در دوره های مختلف نظیر دیپورت پناهندگان بویژه فعالین سیاسی به ایران، در اختیار نهادن دفتر و دستک و مراکز جاسوسی و تروریستی تحت لوای کنسولگری و دیدار و ملاقاتهای دوستانه مابین همدیگر و مواردی از این دست، بخشی از همکاریهای ناچیز آنان است که نیازی به رجوع دادن واستناد کردن به اسناد امضا شده دو طرف نداشته است. میلیتاریزه کردن شهرهای کردستان عراق در جلوگیری از گسترش اعتراضات مردم در شهرهای کردستان عراق، طرح و راه حلی بود که رژیم اسلامی به حکومت محلی کردستان عراق نشان داد. اگر تا کمتر از یکسال قبل هر گونه توافق و همکاری مابین رژیم اسلامی و حکومت محلی کردستان عراق با لکتت زبان مسعود بارزانی و جلال طالبانی همراه بود، اما امروز دیگر درد هر دو حکومت در مقابل اعتراضات عمومی مردم در هر دو سوی مرز دردی مشترک است.

در مورد حکومت محلی کردستان عراق هم باید گفت که این حکومت با کارنامه ای ۲۰ ساله و مملو از فساد اداری، قتل و کشتار و فقر و فلاکت، بحران و بن بست کل احزاب و جریانات ناسیونالیست و مذهبی کرد را هم در حکومت و هم در اپوزیسیون با خود به همراه دارد. تجمعات در میدان آزادی شهرهای کردستان عراق و تظاهراتهای چند ماه اخیر که با سرکوب و نظامی کردن شهرها توسط حکومت محلی مواجه شد مجدداً سر بلند کرده است. تلاش و تقلاهای هر دو حکومت در همکاری با هم، گلوله باران منطقه توسط رژیم اسلامی و آماده باش نیروهای نظامی حکومت محلی کردستان عراق، اساساً برای جلوگیری از گسترش حرکت اعتراضی و اجتماعی مردم در هر دو سوی مرز است. طرح موسوم به پاکسازی منطقه از وجود گروه پژاک بهانه بسیار خوبی برای این آرایش نظامی در منطقه است که اتخاذ سیاست و تاکتیکهای مشترک را میان آنان ضروری ساخته است اما

## توهین ورق پاره فارس به زنان ایران این توهین در سایت فارس چند روز قبل منتشر شد



مینا احدی

همه این جنایات و این وقاحت، با جواب قاطع زنان و دختران ایران روبرو شده است. بی حجابی و عدم تمکین به این تصویر فرودست از زنان، پاسخ زنان در مدرسه و محله و دانشگاه و محیط کار به حکومت زن ستیز اسلامی است. حکومت آخوندها و پاسداران متجاوز و منفور، از دست زنان آزاده و سرکش و "بدحجاب" و برابری طلب عاصی و در مانده است.

ورق پاره فارس و سایت وابسته به آن چند روز قبل این کاریکاتور را چاپ کرد. این توهین به همه زنان در دنیا است.

ما از زنان و مردم آزاده دنیا دعوت میکنیم به این رژیم آپارتاید و زن ستیز اسلامی و به این توهین و بی حرمتی به زنان پاسخ درخور بدهند.

عمله و اگره حکومت اسلامی و امام جمعه ها و لمپن های اسلامی باید بدانند که روز مرگشان بسیار نزدیک است و میلیونها زن با عدم تمکین به حجاب و قوانین اسلامی، گور این حکومت را میکنند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه  
زنان در ایران  
سرنگون باد  
حکومت ضد زن اسلامی

مینا احدی

۱۷ ژوئیه ۲۰۱۱

از بلندگوهای يك رژيم نفرت انگیز اسلامی، روزانه صدها بد و بیراه و فحش نثار زنان میشود، مشتت آخوند لمپن و سادیست، علیه زنان رجز خوانی میکنند. گله های حزب الهی و سگهای ارشاد را روانه کوچه و بازار میکنند و به زنان و دختران بدلیل داشتن لباسهایی با رنگ روشن و یا نداشتن چادر و عبوس نبودن و شبیه فاطمه زهرا و خواهران زینب نبودن، بند میکنند، آنها را میگیرند و جریمه میکنند و شلاق میزنند و این داستانی است که سی سال است تکرار میشود.

روزی نیست که آخوند و پاسدار و جلادی در مورد جدا سازی جنسیتی و تحقیر و توهین به شعور زنان و مردم ایران حرفی نزنند و رجزی نخوانند. تجاوز به زنان و تبلیغ تجاوز رسمی و اسلامی جزئی از سنت و سیستم اسلامی حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی ایران، زن را وسیله تمتع جنسی میداند و از زنان مدرن و آزاده ایران انتظار دارد به دوران قرون وسطی برگشته و نفقه بگیرند و تمکین کنند.

البته خودشان خوب میدانند که

### یداله قطبی در مقابل اتهامات وارده به دفاع از خود پرداخت

روز چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۰ یداله قطبی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی در شعبه ۲ دادگاه انقلاب شهر سمنان دادگاهی شد که در برابر اتهامات وارده به دفاع از خود پرداخت.

لازم به ذکر است که نامبرده چند روز قبل از مراسم اول ماه مه به همراه سه تن دیگر از اعضای این کمیته به اداره اطلاعات احضار شدند و و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه های ۵۰ و ۳۰ میلیون تومانی از اداره اطلاعات آزاد شدند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن این اقدام دستگاه قضایی، خواهان توقف بی چون و چرای پیگرد های امنیتی و قضایی علیه کارگران و فعالان کارگری و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران دریند می باشد.

### حکم سه سال زندان برای شاهر رضایی

شاهر رضایی اهل مریوان بیشتر از سه ماه است که در زندان مرکزی شهر مریوان بسر می برد. شاهر رضایی به اتهام داشتن اسلحه در منزل دستگیر و سپس بعد از سپری شدن نزدیک به یک ماه با دادن وثیقه از زندان آزاد شد. بدنبال آن در دادگاه انقلاب مریوان او را به چهار سال زندان محکوم کرد که در دادگاه تجدیدنظر حکم سه سال زندان برای او تعیین شد. اکنون شاهر بیش از سه ماه است که در زندان مرکزی مریوان است

### چهار نفر در مهاباد و سقز بازداشت شدند

سه نفر اهل مهاباد و سقز توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شدند. نیروهای امنیتی در شهر مهاباد سه نفر را به اسامی منصور آروند، امید عبیده و شورش اولیا حدود یک ماه پیش در منزل بازداشت کردند. تاکنون هیچ علت یا عللی برای بازداشت آنان از سوی مراجع قضائی در مهاباد اعلام نشده اما خبرها حاکی از آن است که این افراد به همکاری با یکی از احزاب متهم شده اند. در سقز نیز جهانگیر کس نرانی توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه زندان شده است. اتهام وارده به جهانگیر کس نرانی نیز همکاری با احزاب غیر قانونی اعلام شده است.

### خودکشی یک نظامی در کامیاران

بنا به خبر رسیده به تاریخ چهارشنبه ۲۲ تیر ماه ۹۰ در شهرستان کامیاران و در محل ایست بازرسی خروجی کامیاران بطرف کرمانشاه، یکی از پرسنل و کادر ایست بازرسی این مرکز باشلیک تیر به سرخود به زندگیش پایان می دهد و خودکشی می کند.

این درجه دار که اسم و مشخصات او هنوز معلوم نیست، اهل لرستان می باشد. او قبلا در خواست انتقالی کرده بود تا خدمتش را در لرستان ادامه دهد. با توجه به اینکه با درخواست او موافقت شده بود و از سوی دیگر خانواده و فرزندانش را هم به لرستان منتقل کرده بود اما برکه نهایی انتقال او به لرستان از طرف مافوقش امضا نمیشود و کماکان بلاتکلیف و سرگردان از این وضع بستوه آمده و اقدام به خودکشی می کند.\*

### سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

زنده باد انقلاب انسانی  
برای حکومت انسانی



## همکاری حکومت محلی کردستان ...

از صفحه ۴

این نوع تحرکات نظامی که هدف آن صف آراییی در مقابل خیزش حرکتیهای اعتراضی و انقلابی مردم چه در کردستان عراق و چه در ایران است، از سوی هر دو حکومت اسلامی و حکومت محلی کردستان عراق همچون گذشته محکوم به شکست است.

در رابطه با احزاب ناسیونالیست مسلح کرد آنچه قبل از هر چیز می تواند درس و آزمونی برای آینده این جریان باشد، موقعیت و عملکرد ۲۰ ساله حکومت محلی در کردستان عراق است. احزاب طالبانی و بارزانی تا قبل از بقدرت رسیدنشان سالها در کوه و کمرهای مناطق مرزی و با پشتیبانی حکومت شاه و بعد از آن هم با حمایتیهای رژیم جمهوری اسلامی در مقابل حکومت صدام حسین و بر بستر حمله نظامی آمریکا به عراق، شرایطی برایشان مهیا شد که بر مردم کردستان عراق حکم رانی کنند. احزاب ناسیونالیست محلی کردستان عراق با کارنامه ای ۲۰ ساله از تحمیل

ناسیونالیست به اصطلاح سنتی و پیشینه دار کرد در کردستان ایران امروز دیگر به امری غیر ممکن تبدیل شده و همانند آب در هاوون کوبیدن است. مردم شهرهای کردستان ایران نیز در ۲۰ سال گذشته که احزاب ناسیونالیست و عشیره ای کرد بر کردستان عراق حاکم بوده اند، عملکرد آنان را از نزدیک بخوبی مشاهده کرده اند. از این رو احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد در کردستان ایران این شانس را نخواهند داشت که نه برای ۲۰ سال بلکه برای شش ماه هم قادر نخواهند بود که مردم شهرهای کردستان ایران را به انقیاد خود درآورند. این مردم با درس گرفتن از تجربه حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق هیچگاه حاضر نخواهند شد خود را در سیطره کپی شده چنین جریاناتی در کردستان ایران به اسارت درآورند. در این هم کوچکترین تردیدی نباید داشت که حکومت اسلامی توسط انقلاب مردمی که حکم به سرنگونی آن داده اند باید به زیر کشیده شود.

۱۹ ژوئیه ۲۰۱۱

## تجمع اعتراضی مردم در میدان آزادی شهر سلیمانیه



بنا به خبری دریافتی از سلیمانیه، بعد از گذشت بیش از دو ماه از سرکوب اعتراضات مردمی شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق توسط احزاب ناسیونالیست حاکم، روز جمعه ۱۵/۷/۲۰۱۱ ساعت ۴ به وقت محلی جمعی از مردم معترض در میدان آزادی تجمع کردند.

بعد از کشتار و دستگیری و سرکوب وحشیانه اعتراضات مردمی و تبدیل کردن خیابان های شهرهای کردستان عراق به پادگان نظامی از سوی حکومت اقلیم

کردستان و گذشت بیش از دو ماه، جمعی از مردم معترض و آزادی خواه مجدداً در شهر سلیمانیه به حکومت محلی هشدار دادند و سرای آزادی را بار دیگر با صدای اعتراض خود خروشانند.

نیروهای آسایش حکومت اقلیم کردستان به خیابان ها ریختند و در تلاش برای متفرق کردن مردم به تجمع آنان حمله ور شدند و ۴۰ نفر رادستگیر و مردم را به زور متفرق کردند اما مردم فریاد میزدند که بار دیگر هم به میدان می آیم.

نیروهای آسایش حکومت اقلیم کردستان روز جمعه تمامی کوچه ها و خیابان های شهر سلیمانیه را قرق کرده بودند و در حالت آماده باش قرار داشتند.\*

بسی تظاهرکنندگان در شهرهای کردستان عراق با ممنوعیت سفر به سوئد مواجه شد. بدنبال انتشار اخبار مربوط به کشتار چند ماه گذشته از سوی مقامات حکومت اقلیم کردستان که به اطلاع دولت

سوئد رسیده است، اکنون دولت سوئد با توجه به اینکه محمود سنگاوی دارای پاسپورت و گذرنامه سوئدی می باشد و علیه تظاهرکنندگان دستور تیراندازی صادر کرده است، محض ورود به سوئد دستگیر خواهد شد. در حال حاضر محمود سنگاوی بخاطر ممنوعیت سفر به سوئد ناچار شده است برای معالجه زانوی پا به هندوستان برود و در آنجا به معالجه بپردازد.\*



## ممنوعیت ورود محمود سنگاوی به سوئد

محمود سنگاوی عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان عراق به اتهام دستور تیراندازی

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BÖFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!